

Contemporary Islamic law Debate

Vol.2, No.4, Autumn & Winter 2025, 207-224

Revisiting the Conflict Between the Criminalization of Usury (*Riba*) in the Islamic Penal Code (Discretionary Punishments Section) and the Doctrine of Estoppel in International Law

Ali Farsimadan¹

Ehsan Karavan Masjedi²

Elahe Jafarzadeh Harisi³

(Received on: 2025-02-01; Accepted on: 2023-03-19)

Abstract

The main issue addressed in this article is the apparent conflict between the criminalization of usury (*Riba*) in Iran's Islamic Penal Code (Discretionary Punishments Section) and the doctrine of Estoppel in international law. This conflict is particularly pronounced in the context of transnational banking interactions, where Iranian banks face limitations when dealing with global interest-based financial systems.

The doctrine of Estoppel, as one of the fundamental principles of fairness in international law, prevents states from adopting contradictory positions in relation to their previous commitments. This article utilizes a descriptive-analytical approach to analyze this perceived conflict.

The research findings indicate that this conflict is merely *prima facie* and superficial. This is because Note 3 of Article 595 of the Islamic Penal Code (Discretionary Punishments) explicitly excludes the receipt of interest from a non-Muslim from the scope of usury criminalization. This provision thus creates the necessary legal framework for transnational financial interactions. Consequently, from a legal perspective, there is no basis for contradiction or violation of the Estoppel principles, and Iranian domestic law has the capacity to align with the requirements of international law.

Keywords: Usury (*Riba*), Conflict, Estoppel, Receiving Interest from a Non-Muslim, Banking Interactions.

-
1. Assistant Professor, Department of Law and Comparative Jurisprudence, University of Religions and Denominations, Qom, Iran alifarsimadan98@gmail.com
 2. Ph.D. Candidate in Fiqh and Foundations of Law, University of Religions and Denominations, Qom, Iran (Corresponding Author) ehsankaravan@yahoo.com
 3. Master's Graduate in Women's Studies – Concentration in Women's Rights in Islam, University of Religions and Denominations, Qom, Iran elahe.jafarzade86@gmail.com

بازنگری تعارض جرم‌انگاری ربا در قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) با قاعده استتاپل در حقوق بین‌الملل

علی فارسی مدان^۱

احسان کاروان مسجدی^۲

الهه جعفرزاده حریمی^۳

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۹)

چکیده

مسئله اصلی این مقاله، بررسی تعارض ظاهری میان جرم‌انگاری ربا در قانون مجازات اسلامی ایران (بخش تعزیرات) و قاعده استتاپل در حقوق بین‌الملل است. این تعارض به‌ویژه در زمینه تعاملات بانکی فرامرزی نمود می‌یابد؛ جایی که بانک‌های ایرانی در مواجهه با نظام‌های بهره‌محور جهانی، با محدودیت‌هایی روبرو می‌شوند. قاعده استتاپل در جایگاه یکی از اصول بنیادین انصاف در حقوق بین‌الملل، مانع از آن می‌شود که دولت‌ها در مواجهه با تعهدات پیشین خود، مواضع متناقض اتخاذ کنند. این مقاله با اتخاذ رویکردی توصیفی - تحلیلی به تحلیل این تعارض می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد این تعارض، صرفاً بدوی و ظاهری است؛ چراکه تبصره سوم ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، اخذ سود از غیرمسلمان را خارج از شمول جرم‌انگاری ربا می‌داند و به این ترتیب، بستر لازم برای تعاملات مالی فرامرزی فراهم شده است. در نتیجه از منظر حقوقی، زمینه‌ای برای تناقض‌گویی یا نقض اصول استتاپل وجود ندارد و قانون داخلی ایران ظرفیت تطبیق با الزامات حقوق بین‌الملل را داراست.

کلیدواژه‌ها: ربا، تعارض، استتاپل، اخذ سود از غیرمسلمان، تعاملات بانکی.

۱. استادیار گروه حقوق و فقه مقارن، دانشکده مذاهب، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران. alifarsimadan98@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق، دانشکده مذاهب، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول). ehsankaravan@yahoo.com

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات زنان گرایش حقوق زن در اسلام، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران. elahe.jafarzade86@gmail.com

مقدمه

قاعده استاپل در جایگاه یکی از اصول بنیادین عدالت، انصاف و اعتماد مشروع در نظام‌های حقوقی، نقشی تعیین‌کننده در تنظیم روابط حقوقی میان اشخاص، نهادها و دولت‌ها ایفا می‌کند. خاستگاه این قاعده را می‌توان در نظام کامن‌لا جستجو کرد، اما امروزه کاربرد آن در نظام‌های حقوقی گوناگون - اعم از داخلی، تطبیقی و بین‌المللی - پذیرفته شده است و در جایگاه ابزاری برای جلوگیری از مواضع متناقض و رفتارهای متغیر با اعتماد مشروع طرف مقابل شناخته می‌شود. در حوزه حقوق بین‌الملل، قاعده استاپل در جایگاه یکی از اصول کلی حقوقی مقبول ملل متمدن، جایگاهی مهم دارد و ناظر بر این الزام است که دولت‌ها از تغییر مواضع یا اتخاذ رفتاری مغایر با مواضع یا تعهدات پیشین خود که به زیان دیگران منجر گردد، پرهیز نمایند.

در این میان یکی از مهم‌ترین چالش‌های حقوقی که در تعاملات مالی و بانکی جمهوری اسلامی ایران با نظام بین‌المللی بروز یافته است، جرم‌انگاری ربا در نظام کیفری کشور است. ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) دریافت هرگونه سود اضافی بر اصل قرض را جرم تلقی می‌کند و برای آن مجازات مقرر داشته است. این جرم‌انگاری که ریشه در مبانی فقهی و تقنینی جمهوری اسلامی ایران دارد، در مواجهه با نظام بانکی بین‌المللی که عمدتاً مبتنی بر سود و بهره است، مسائلی را پدید آورده است؛ از جمله امکان نداشتن بهره‌برداری بانک‌های ایرانی از سود سپرده‌های خود نزد بانک‌های خارجی یا ایجاد تردید در مشروعیت دریافت این سودها در چارچوب داخلی.

تعارض پیش‌گفته هنگامی شکل برجسته‌تری به خود می‌گیرد که با قاعده استاپل در حقوق بین‌الملل سنجیده می‌شود. مطابق با مفاد این قاعده، دولتی که در عرصه بین‌المللی وارد تعاملات اقتصادی و بانکی می‌شود، نمی‌تواند ناگهانی و برخلاف مواضع پیشین خود، رفتار یا مقرره‌ای داخلی را اعمال نماید که موجب تضییع حقوق مشروع طرف مقابل گردد. در چنین فضایی، جرم‌انگاری مطلق ربا می‌تواند از سوی دولت‌های دیگر به‌ویژه در حوزه

بانکداری، نوعی تغییر جهت حقوقی یا نقض اعتماد پیشین تلقی شود. بدین ترتیب این تلقی ممکن است به تضعیف موقعیت ایران در عرصه مراودات مالی و حتی ایجاد مسئولیت بین‌المللی منجر گردد.

بر همین اساس، تبیین دقیق چرایی این تعارض از منظر حقوق بین‌الملل، مستلزم تحلیل هم‌زمان دو نظام حقوقی است؛ نخست: نظام حقوق کیفری ایران که با استناد به شریعت، ربا را جرم می‌انگارد؛ دوم: نظام حقوق بین‌الملل که با تأکید بر ثبات رفتاری و اصول انصاف، استاپل را قاعده‌ای الزام‌آور برای دولت‌ها می‌داند. این مقاله می‌کوشد ضمن بررسی مبانی و اهداف جرم‌انگاری ربا، جایگاه و کارکرد قاعده استاپل در حقوق بین‌الملل را واکاوی کند و به تحلیل تعارض احتمالی میان این دو بپردازد.

پرسش اصلی مقاله این است که آیا جرم‌انگاری ربا در قانون مجازات اسلامی به‌ویژه در پرتو ماده ۵۹۵ و تبصره آن، با قاعده استاپل در حقوق بین‌الملل در تعارض است یا خیر؟ هدف نگارندگان آن است که با نقد و بررسی ابعاد مختلف این تقابل ظاهری، مشخص گردد که آیا این دو نهاد حقوقی در سطح مبنایی با یکدیگر ناسازگارند یا می‌توان این تعارض را در چارچوب تحلیل‌های حقوقی و تفسیری، ظاهری و رفع‌شدنی تلقی کرد؛ به گونه‌ای که هم تمامیت نظام تقنینی ایران محفوظ بماند و هم امکان تفسیر منطبق با اصول حقوق بین‌الملل فراهم آید.

برخی پژوهشگران به بررسی قاعده استاپل و تحلیل تطبیقی آن پرداخته‌اند (مشایخی و آدابی، ۱۳۹۸ ه.ش؛ افتخارجهرمی و شهبازی نیا، ۱۳۸۳ ه.ش؛ پورسید و آقاداتاشی، ۱۳۹۶ ه.ش)؛ هرچند این پژوهش‌ها ابعاد گوناگون قاعده استاپل را در بسترهای حقوقی مختلف تحلیل کرده‌اند، مقاله حاضر درصدد است با تمرکز بر نسبت میان جرم‌انگاری ربا و قاعده استاپل در حقوق بین‌الملل، از منظری انتقادی و تحلیلی به این تعارض ظاهری بپردازد و ابعاد حقوقی آن را بررسی کند.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. استاپل

«استاپل» از دیدگاه زبان‌شناختی به معنای «بازدارنده» یا «مانع» است و خاستگاه آن به زبان فرانسوی بازمی‌گردد (A Concise Dictionary of Law, 1990, p 153). بر همین اساس این واژه در واژه‌نامه‌های عمومی انگلیسی معمولاً جایگاهی ندارد و در منابع لغوی غیرتخصصی به آن اشاره‌ای نشده است. در فرهنگ‌های انگلیسی - فارسی نیز غالباً معادل مشخص و دقیقی برای این اصطلاح ارائه نشده است، بلکه تعریفی کلی و ناکامل از قاعده حقوقی استاپل بیان شده است؛ برای مثال در فرهنگ آریانپور به جای تعیین واژه‌ای متناظر، تنها شرح مختصری از کارکرد حقوقی آن آمده است (آریان‌پورکاشانی، ۱۳۶۹ ه.ش، ج ۲، ص ۱۶۳۰). حتی در فرهنگ‌نامه‌ها و آثار حقوقی نیز غالب ترجمه‌های ارائه‌شده از این اصطلاح در قالب تعبیرهایی چون «ممنوعیت از اظهار خلاف گذشته» (گیار، ۱۳۶۵ ه.ش، ص ۲۳۷)، «بازداشت به اقرار قبلی» (گیار، ۱۳۶۵ ه.ش، ص ۲۳۷)، «ممانعت از طرح دعوی متناقض» (کشاورز، ۱۳۶۷ ه.ش، ص ۸۷) یا «نفی انکار پس از اذعان» محدود می‌گردد که در بهترین حالت تنها شمایی اجمالی از ابعاد گوناگون مفهوم استاپل را منعکس می‌سازند. درواقع به سبب ماهیت پیچیده و چندلایه این مفهوم در نظام‌های حقوقی غربی، یافتن معادلی دقیق و تک‌واژه‌ای برای آن در زبان فارسی بسیار دشوار بلکه ناممکن است؛ چراکه استاپل، اصطلاحی مرکب و چندبُعدی است که جنبه‌های مختلفی از اصول انصاف، عدالت و ممنوعیت بازگشت از مواضع پیشین را دربر می‌گیرد.

در فرهنگ حقوقی بلک (Black, 1986, pp 285-286)، مفهوم استاپل به گونه‌ای تعریف شده است که به موجب آن، شخصی به دلیل اعمال یا گفتار پیشین خود از طرح ادعا یا مطالبه‌ای که با آن مواضع در تعارض است و موجب زیان طرف مقابل می‌شود، بازداشته می‌شود. درواقع استاپل در مواردی کاربرد می‌یابد که فردی بنا بر قواعد حقوقی اجازه نداشته

باشد سخنی برخلاف تعهدات یا رفتارهای پیشین خود بر زبان آورد؛ زیرا پذیرش چنین تناقضی که اعتماد مشروع طرف دیگر را خدشه دار می‌کند، با اصول انصاف در تضاد است. این قاعده به منزله سدی حقوقی عمل می‌کند که مانع می‌شود فردی پس از پذیرش یا اقدام یا ادعایی خاص یا پس از صدور حکم نهایی دادگاه در موضوعی معین، موضع متناقضی اتخاذ کند یا حقیقتی را انکار نماید.

همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، به دلیل گستره وسیع کاربردهای قاعده استاپل، هیچ‌یک از تعاریف ارائه شده در این زمینه واجد شمول و جامعیتی کامل نیست؛ از این رو برخی صاحب‌نظران بر این باورند که دستیابی به تعریفی دقیق و همه‌جانبه که بتواند تمامی مصادیق و فروع این قاعده را دربرگیرد، در عمل میسر نیست. بر همین اساس توصیه شده است تبیین دقیق مفهوم استاپل به فرایند تدریجی تحول و تفسیرهای قضایی آن واگذار گردد تا از رهگذر رویه‌های دادگاهی، حدود و ثغور این قاعده روشن شود.

در آثار حقوقی اعم از مقالات و کتاب‌ها، برای تبیین قاعده استاپل دو تلقی متفاوت، یکی در معنای مضیق و دیگری در معنای موسع ارائه شده است. تفسیر مضیق این قاعده ناظر به اصل منع تناقض در گفتار یا رفتار است و بیشتر ناظر به مصادیق مشخصی نظیر «منع اظهار سخن متناقض با اظهارات پیشین به زیان دیگری» یا «ممنوعیت انکار پس از اقرار» در روند دادرسی و رسیدگی‌های قضایی است. این برداشت، استاپل را محدود به قواعد شکلی دادرسی و اصول انصاف در رفتار طرفین دعوا می‌داند.

در مقابل، برداشت موسع از استاپل ابعاد گسترده‌تری را دربر می‌گیرد و آن را در مقام ابزاری برای تثبیت روابط حقوقی معرفی می‌کند؛ در این معنا، استاپل نه تنها مفاهیمی چون «رضایت»، «سقوط یا ترک حق»، «تنفیذ» و «دکترین انتخاب» را دربر می‌گیرد، بلکه مواردی چون «اهمال در اعمال حق» و لزوم ثبات و اعتماد در روابط حقوقی نیز ذیل آن قرار می‌گیرد (فیض و خندان، ۱۳۹۹ هـ.ش، ص ۵).

بنابراین می‌توان استتایل را قاعده‌ای دانست که از طرح ادعا یا انکاری که با موضع پیشین فرد در تعارض باشد و در فرایند حقوقی یا عرفی به عنوان واقعیت تثبیت شده تلقی گردد، جلوگیری می‌نماید. این تثبیت ممکن است حاصل اقدام یا تصمیم نهادهای تقنینی یا قضایی باشد یا از طریق اسناد مکتوب، تصریحات یا اشارات ضمنی، رفتار یا حتی ترک فعل خود فرد پدید آمده باشد.

۲-۱. ربا

«ربا» در زبان عربی به معنای افزایش، رشد و فزونی است (ابن منظور، ۱۴۱۴ هـ ج ۵، ص ۱۲۶). این اصطلاح در فرهنگ‌های لغت به شکل عام به هرگونه افزودنی بر اصل مال اطلاق می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ هـ، ذیل واژه ربو؛ دهخدا، ۱۳۷۷ هـ.ش، ذیل واژه ربا). در اصطلاح فقهی نیز دریافت هرگونه زیاده در معاوضه کالاهای همجنس مکیل یا موزون و گرفتن مازاد بر اصل در قرض و وام است (محقق کرکی، ۱۴۱۴ هـ ج ۴، ص ۲۶۵؛ نجفی، ۱۴۰۴ هـ ج ۲۳، ص ۳۳۴). این تعریف هرگونه افزایش غیرمشروع در مبادلات مالی یا اعطای وام را دربر می‌گیرد که در شرع ممنوع اعلام شده است (شهید ثانی، [بی تا]، ج ۳، ص ۳۱۶). فقیهان با استناد به نصوص شرعی، هر نوع زیادی در معاملات و قروض را تحت عنوان ربا حرام دانسته‌اند (حلی، ۱۴۰۴ هـ ج ۲، ص ۸۵). ربا در قرآن کریم به شدت محکوم شده است و رباخواران به اعلان جنگ با خدا و رسولش متهم شده‌اند (بقره ۲: ۲۷۵)؛ همچنین در روایات، ربا در زمره گناهان کبیره قرار گرفته است و از آن با عنوان عملی نابخشودنی یاد شده است (حر عاملی، ۱۴۱۶ هـ ص ۱۱۷ - ۱۲۴).

۲. انواع استتایل

در نظام‌های حقوقی تابع کامن‌لا به‌ویژه در انگلستان و ایالات متحده آمریکا، قاعده استتایل یکی از نهادهای مهم در راستای تضمین ثبات روابط حقوقی و جلوگیری از رفتار

متناقض محسوب می‌شود. این قاعده بسته به منشأ و مبنای حقوقی آن، به سه قسم کلی تقسیم می‌گردد:

۱. استاپل مبتنی بر سابقه قضایی (Estoppel by Record)؛

۲. استاپل ناشی از اسناد مکتوب (Estoppel by Deed)؛

۳. استاپل مبتنی بر رفتار یا گفتار طرفین (Estoppel by Conduct or Estoppel in Pais).

دسته نخست و دوم در فقه حقوقی غربی به‌ویژه در ادبیات حقوقی بریتانیا، مصادیق «استاپل حقوقی» (legal estoppel) شناخته می‌شوند و منشأ شکل‌گیری آنها، قواعد سختگیرانه و شکلی نظام کامن‌لا است. در مقابل، دسته سوم که با عنوان «استاپل منصفانه» (equitable estoppel) از آن یاد می‌شود، ریشه در اصول عدالت و انصاف دارد و بیشتر متکی بر آموزه‌های حقوق موضوعه متأثر از حقوق طبیعی و اخلاق عملی است (ر.ک: داوید، ۱۳۶۴ ه.ش).

وجه تمایز بنیادین میان این دو گونه از استاپل، نه تنها در مبنای حقوقی آنها بلکه در آثار و شرایط تحققشان نیز مشهود است. در استاپل‌های حقوقی، امکان استناد به قاعده علیه هر یک از طرفین دعوا وجود دارد، بی‌آنکه نیازی به اثبات سوءنیت یا رفتار گمراه‌کننده‌ای از سوی یکی از ایشان باشد. این نوع از استاپل‌ها معمولاً در بستر روابط رسمی حقوقی به‌ویژه در چارچوب تعهدات ناشی از اسناد یا احکام قطعی قضایی مطرح می‌گردند. در نقطه مقابل، استاپل منصفانه تنها علیه شخصی قابلیت استناد دارد که با انجام فعل، گفتار یا حتی ترک فعل خود، موجبات اعتماد مشروع طرف مقابل را فراهم آورد و در نهایت او را در وضعیتی متضررانه قرار داده باشد. همچنین در استاپل‌های مبتنی بر سابقه و سند، غالباً نوعی رابطه قراردادی یا وضعیت حقوقی روشن و معین میان طرفین مفروض است که قاعده استاپل بر بستر آن جاری می‌گردد؛ درحالی‌که در استاپل‌های مبتنی بر انصاف، وجود چنین رابطه‌ای شرط تحقق قاعده نیست و صرفاً کافی است یکی از طرفین

با اتخاذ موضع یا رفتار معینی، انتظار مشروعی در ذهن طرف مقابل ایجاد کند و سپس بر خلاف آن عمل نماید. این تنوع ساختاری و کارکردی در اقسام گوناگون استاپل، گویای انعطاف‌پذیری این نهاد در پاسخ‌گویی به نیازهای عدالت‌محور و با این وجود نظم‌گرایی حقوق‌کامن‌لا است.

۳. انواع ربا

با توجه به اینکه قوانین جمهوری اسلامی ایران ریشه در فقه و شریعت اسلام دارد، بررسی حکم رباخواری از دیدگاه اسلام ضروری است. بنابراین تشخیص معاملات ربوی از غیر ربوی و چگونگی پیشگیری از آنها، موضوعی مهم است که شاید بسیاری از مردم از آن آگاهی نداشته باشند.

ربا در فقه اسلامی به دو قسم اصلی تقسیم می‌شود:

۱. ربای قرضی: فردی مال خود را به دیگری قرض دهد و شرط کند که هنگام بازپرداخت، مقداری بیشتر از آنچه داده است دریافت کند. این زیادی می‌تواند به شکل‌های مختلف جلوه کند؛ از جمله الف) زیادی در مقدار: ده تومان قرض دهد و یازده تومان پس بگیرد؛ ب) زیادی در منفعت: قرض دهد به شرط آنکه یک سال مجانی در خانه‌اش ساکن شود؛ ج) زیادی وصفی: طلای نساخته دهد و در عوض طلای ساخته پس بگیرد (محقق کرکی، ۱۴۱۴هـ، ج ۴، ص ۲۶۵؛ نجفی، ۱۴۰۴هـ، ج ۲۳، ص ۳۳۴).

۲. ربای معاملی: زمانی محقق می‌شود که دو کالای هم‌جنس از نوع مکیل (پیمانه‌ای) یا موزون (وزنی) با یکدیگر مبادله شوند و یکی از آن دو اضافه باشد. این نوع ربا با چشم‌پوشی از تساوی ظاهری، حتی اگر یکی از کالاها معیوب یا درجه پایین‌تری داشته باشد نیز حرام است؛ برای مثال فروش یک کیلو گندم اعلال در برابر دو کیلو گندم درجه دو یا مبادله یک پیمانه شیر در برابر دو پیمانه، اگر هر دو از یک جنس و مکیل یا موزون

باشند، از مصادیق ربای معاملی است. همچنین زیادی می‌تواند از جنس دیگر باشد یا به صورت حکمی، مانند دریافت مؤخر کالا در مقابل کالای حاضر (محقق کرکی، ۱۴۱۴هـ، ج ۴، ص ۲۶۵؛ نجفی، ۱۴۰۴هـ، ج ۲۳، ص ۳۳۴).

در حالی که فقه اسلامی، ربا را پدیده‌ای فراگیر می‌داند که هم معاملات و هم قرض‌ها را شامل می‌شود، اقتصاددانان معاصر ربا را فقط به حوزه قرض محدود می‌کنند. در دیدگاه اقتصادی، ربا عبارت است از عوض یا سودی که وام‌گیرنده در برابر استفاده از سرمایه به وام‌دهنده پرداخت می‌کند. به تعبیر دیگر، ربا در اقتصاد همان «قیمت پول» است که برای جبران سود احتمالی به وام‌دهنده تعلق می‌گیرد (موسویان، ۱۳۷۵هـ.ش، ج ۱، ص ۶۲؛ جواهری، ۱۴۰۵هـ، ص ۳۳۳). بر همین اساس، دایره معنایی ربا در فقه اسلامی بسیار وسیع‌تر از تعریف آن در اقتصاد است. فقه نه تنها به قرض‌های ربوی بلکه به معاملات دارای نابرابری مضمونی یا صوری نیز توجه دارد و از آنها در جایگاه مصادیق ظلم و استثمار، نهی کرده است.

۴. کاربرد استاپل در رشته‌های مختلف حقوق

۴-۱. استاپل در حقوق خصوصی

خاستگاه اولیه استاپل، حقوق خصوصی است؛ اما در حقوق تجارت، استاپل اصل جدیدی است که به تازگی مورد توجه داوران و دادگاه‌های تجاری قرار گرفته است و احکام چندی نیز به استناد آن صادر شده است. اهمیت اعمال استاپل در داوری تجاری بین‌المللی به دلیل پذیرفتن این قاعده در بعضی از نظام‌های حقوقی و نیز ذکر نشدن آن در حقوق بازرگانی فراملی (Lex mercatoria) است؛ از این رو با توجه به فزونی و پیچیدگی مستمر بازرگانی بین‌المللی و ارجاع اختلافات ناشی از آن به دیوان‌های داوری، شناخت این قاعده برای همه نظام‌های حقوقی، سودمند و ضروری است.

۲-۴. استاپل در حقوق بین‌المللی

تاریخچه اعمال قاعده استاپل در دیوان‌های بین‌المللی به سال ۱۸۵۴ میلادی برمی‌گردد. گفتنی است آنچه در حقوق بین‌المللی پذیرفته شده است، مفهوم مضیق قاعده استاپل است. همچنین کاربرد استاپل‌های حقوقی (ناشی از رأی دادگاه و سند) در حقوق بین‌الملل چنان بی‌رنگ است که می‌توان آن را نادیده گرفت؛ حتی در موارد اندکی نیز که در دیوان‌های بین‌المللی، سند یا رأی دادگاه به عنوان استاپل مورد استناد قرار می‌گیرد، اغلب به کمک اصول و شرایط استاپل مبتنی بر انصاف است. بنا بر آنچه گفته شد، استاپل موردنظر حقوق بین‌الملل عمدتاً از نوع مبتنی بر انصاف است.

۳-۴. استاپل در حقوق تطبیقی

از دیدگاه حقوق تطبیقی نیز استاپل پذیرفته شده و حتی به عقیده برخی از نویسندگان در مقایسه با حقوق بین‌الملل استاپل در حقوق تطبیقی پایگاه محکم‌تری دارد. قاعده استاپل بر اصول انصاف و حسن نیت استوار است و بدیهی است که اصول پیش‌گفته از جمله اصول مقبول در تمام نظام‌های حقوقی جهان است. در حقوق داخلی کشورهای دارای حقوق نوشته نیز این قاعده تحت عنوان‌های دیگر مانند اصل «ظهور» (L' Apparence) در حقوق فرانسه، آلمان و ایتالیا یا اصل «اعتماد» (La Confiance) در حقوق سوئیس وجود دارد که همگی از حسن نیت در حقوق رومی سرچشمه گرفته‌اند.

در حقوق آلمان و سوئیس افزون بر تئوری «ظهور»، قواعد دیگری وجود دارد که شباهت بیشتری با قاعده استاپل دارند و معادل آنها در حقوق فرانسه یافت نمی‌شود. تفسیر رویه قضایی آلمان از ماده ۲۴۲ قانون مدنی آن کشور، به صراحت تناقض‌گویی به ضرر دیگری را منع می‌کند؛ برای مثال وارثی که متوفی را در انعقاد قراردادی یاری کرده است، بعد نمی‌تواند به استناد محجور بودن وی، اعتبار آن قرارداد را منکر شود.

در حقوق داخلی کشور ما نیز می‌توان مصادیق متعددی از استاپل را یافت. قواعد حقوقی اقدام، منع انکار بعد از اقرار،^۱ اعتبار قضیه محکوم‌بها و انکارناپذیر بودن مفاد سند رسمی، هریک بخشی از مفهوم قاعده کلی استاپل را دربر دارند. بالاتر از همه موارد پیش‌گفته، اصل چهلم قانون اساسی است که اشعار می‌دارد: «هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد». این اصل به روشنی تمام مفهوم استاپل و اصول زیربنایی آن را بیان می‌کند و بنابراین می‌تواند مبنای محکمی برای پذیرش قاعده مذکور در حقوق ایران باشد. بی‌شک به استناد این اصل می‌توان اشخاص را از اتخاذ مواضع متعارض به ضرر دیگران منع کرد.

از آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت امروزه استاپل در حقوق تطبیقی، قاعده‌ای کاملاً شناخته شده و پرکاربرد است؛ اگرچه نباید انتظار داشت این قاعده با تمام شرایط و ویژگی‌های خود به قاعده کلی جهانی تبدیل شود.

۵. تعارض ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) با قاعده استاپل

قاعده استاپل در حقوق بین‌الملل در جایگاه یکی از اصول بنیادین انصاف شناخته می‌شود که هدف آن جلوگیری از رفتارهای متناقض و فریبنده در روابط حقوقی میان دولت‌هاست. بر اساس برداشت مضیق از این قاعده که در نظام حقوقی بین‌المللی پذیرفته شده است، هیچ دولتی مجاز نیست در تعاملات خود با سایر کشورها، موضعی اتخاذ کند که با رفتار یا اظهار پیشین او تناقض داشته باشد و موجب ورود ضرر به طرف مقابل گردد. به تعبیر دقیق‌تر، قاعده استاپل دولت‌ها را از اتخاذ موضعی که در نتیجه تغییر جهت یا اظهار متناقض، منافع مشروع طرف مقابل را تهدید یا تضییع کند، باز می‌دارد.

در این چارچوب، ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) جمهوری اسلامی ایران که ربا را جرمی مستوجب مجازات معرفی می‌کند، محل تأمل و بررسی قرار می‌گیرد. مطابق این ماده،

هرگونه دریافت یا پرداخت سود مازاد بر اصل مبلغ در قالب قرارداد قرض، جرم تلقی می‌شود و مرتکب آن مستوجب تعزیر خواهد بود. در حالی که این حکم مبتنی بر آموزه‌های فقهی و شریعت اسلامی است و در بستر حقوق داخلی توجیه پذیر است، در فضای تعاملات بانکی بین‌المللی، پیامدهایی خاص به دنبال دارد.

نویسنده کتاب الزامات و مشکلات تبدیل فقه به قانون در این باره تصریح می‌کند جرم‌انگاری ربا در قانون مجازات اسلامی ایران، دریافت سود از سپرده‌های بانکی در خارج از کشور را با مشکل روبرو می‌کند؛ چراکه بانک‌های خارجی اغلب در چارچوب نظام مالی بهره‌محور فعالیت می‌کنند و معاملات آنها از منظر فقه اسلامی ربوی تلقی می‌شود (آقابائی بنی، ۱۴۰۱ ه.ش، ص ۲۶). در نتیجه بانک‌های ایرانی در تعامل با این نهادهای مالی، امکان بهره‌برداری از سود سپرده‌های خود را ندارند؛ چراکه دریافت چنین سودی در حقوق داخلی ایران جرم‌انگاری شده است. این وضعیت از یک سو سبب کاهش مزیت‌های اقتصادی و سرمایه‌ای ایران در نظام بانکی بین‌المللی می‌شود؛ از سوی دیگر نیز چالشی جدی در مسیر گسترش روابط مالی و اقتصادی کشور ایجاد می‌کند.

از دیدگاه قاعده استتایل در حقوق بین‌الملل، این وضعیت واجد آثار زیان‌بار برای جمهوری اسلامی ایران است؛ چراکه بانک‌های خارجی که در چارچوب نظام بهره‌محور فعالیت می‌کنند، عموماً بهره سپرده‌ها را به صورت متعارف پرداخت می‌کنند؛ اما بانک‌های ایرانی به استناد قانون داخلی که اخذ ربا را ممنوع و حتی جرم‌انگاری کرده است، نه تنها نمی‌توانند به شکل رسمی و حقوقی سود حاصل از این سپرده‌ها را مطالبه کنند، بلکه ناچارند از دریافت آن چشم‌پوشی نمایند. این رویه در مقام عمل، موجب محرومیت ایران از منافع مالی مشروع در سطح بین‌الملل و به سود بانک‌های خارجی تمام می‌شود. بنابراین موضع حقوقی و رویه رفتاری ایران در این موضوع، نوعی خودمحروم‌سازی از حقوق مالی خویش تلقی می‌شود و با اصول انصاف و قاعده استتایل در تعارض قرار می‌گیرد.

بنابراین می‌توان گفت جرم‌انگاری مطلق ربا در قانون مجازات اسلامی بدون توجه به اقتضائات تعاملات بین‌المللی و قواعدی همچون استاپل، ظرفیت‌های اقتصادی کشور را در سطح جهانی تضعیف می‌کند و مانعی اساسی در مسیر توسعه مناسبات مالی و بانکی ایران با جهان خارج ایجاد کرده است.

۶. بررسی و نقد

در مقام پاسخ به اشکال مطرح‌شده مبنی بر تعارض ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی ایران با قاعده استاپل در حقوق بین‌الملل، لازم است مفاد قانونی و نسبت آن با واقعیت‌های حقوقی و بانکی به دقت بررسی شود. یکی از مهم‌ترین مستندات قانونی که می‌تواند مبنای رفع این تعارض تلقی شود، تبصره سوم ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی است که تصریح می‌دارد: «هرگاه قرارداد قرض ربوی بین پدر و فرزند یا زن و شوهر منعقد شود یا مسلمان از کافر ربا دریافت کند، مشمول مقررات این ماده نخواهد بود». این حکم ناظر بر دو دسته استثنای مهم است؛ نخست: استثنای روابط خویشاوندی نزدیک در حوزه عقود ربوی؛ دوم: استثنای معاملات ربویی که در آن مسلمان از فرد غیرمسلمان (کافر) سود دریافت می‌کند. آنچه در این مقام محل توجه است، بخش دوم این تبصره است که تصریح می‌کند دریافت ربا از غیرمسلمان مشمول عنوان مجرمانه ربا نخواهد بود. بر این اساس، این تبصره به صراحت دلالت دارد بر اینکه دریافت سود یا بهره از طرف غیرمسلمان، تحت شمول ماده ۵۹۵ قرار نمی‌گیرد؛ از این رو عنوان جرم به آن تعلق نمی‌گیرد. این امر به تنهایی نشان می‌دهد قانون‌گذار با لحاظ ملاحظات فقهی و بین‌المللی، نوعی تساهل و انعطاف را در روابط اقتصادی فرامرزی پذیرفته است.

با این مقدمه، استناد به ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی به عنوان دلیلی برای امتناع بانک‌های ایرانی از دریافت سود سپرده‌های خود نزد بانک‌های خارجی (که عمدتاً غیرمسلمان هستند) محل تأمل خواهد بود؛ چراکه با توجه به نص تبصره سوم، چنین معاملاتی مشمول منع شرعی و قانونی نیستند و نمی‌توان آنها را مصداق رفتار متناقض دانست. در نتیجه از منظر قاعده

استتایل نیز ایرادی وارد نمی‌شود؛ زیرا در اینجا تعهد اولیه‌ای مبنی بر ترک دریافت سود از طرف خارجی ایجاد نشده است که تغییر موضع بعدی موجب ضرر و زیان گردد، بلکه قانون از ابتدا مجوزی برای دریافت سود در چنین مواردی قائل شده است. به بیان دیگر، تعارض ادعا شده، ظاهری و بدوی است و در واقع با توجه به محتوای استثنای مندرج در تبصره سوم، عنوان تناقض‌گویی از آن برداشته می‌شود.

با این حال ممکن است اشکال از منظری دیگر بازسازی شود. به این ترتیب که گفته شود تبصره سوم ماده ۵۹۵ صرفاً ناظر به روابط اشخاص حقیقی است و شمول آن برای اشخاص حقوقی - از جمله بانک‌ها - محرز نیست. به تعبیر دیگر، ممکن است این شبهه مطرح شود که مقصود قانون‌گذار از مسلمان و کافر در این ماده، اشخاص حقیقی اند و نه نهادهای حقوقی همچون بانک‌ها یا مؤسسات مالی که شخصیت حقوقی مستقلی دارند؛ در نتیجه چون بانک‌های ایرانی و خارجی در زمره اشخاص حقوقی قرار می‌گیرند، شمول حکم استثنایی تبصره سوم برای روابط بانکی قابل تردید خواهد بود. پاسخ به این اشکال، بر پایه تفسیر حقوقی ماده و کارکردهای اقتصادی آن استوار است. اگر فرض شود که ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی و تبصره آن منحصر به اشخاص حقیقی باشد، نتیجه آن خواهد بود که اساساً این ماده بر مناسبات بانکی و مالی ناظر نیست و شامل معاملات میان نهادهای حقوقی همچون بانک‌ها نمی‌شود. در چنین فرضی، دیگر دلیلی برای اعمال مفاد ماده ۵۹۵ بر روابط بانکی بین‌المللی وجود ندارد و به تبع آن، تعارضی نیز میان این ماده و قاعده استتایل شکل نمی‌گیرد. به بیان دقیق‌تر، اگر ماده ۵۹۵ به حوزه خاصی از مناسبات یعنی معاملات ربوی میان افراد حقیقی اختصاص داشته باشد، ورود آن به عرصه معاملات نهادهای حقوقی، تجاوز از قلمرو منطقی و حقوقی حکم تلقی خواهد شد. بنابراین فرض اخیر نه تنها اشکال را تقویت نمی‌کند، بلکه آن را از اساس منتفی می‌سازد.

افزون بر این، باید توجه داشت در تفسیر قوانین کیفری، اصل بر تفسیر مضیق و محدود است؛ به همین دلیل توسعه دامنه شمول ماده ۵۹۵ به اشخاص حقوقی به‌ویژه در غیاب تصریح قانونی، با

اصول مسلم تفسیر حقوق کیفری سازگار نیست. بنابراین باید گفت تبصره سوم ماده ۵۹۵ نه تنها با اصول بین‌المللی همچون قاعده استاپل تعارض ندارد، بلکه می‌تواند زمینه‌ای برای تعامل مثبت حقوق داخلی با مقتضیات نظام بانکی جهانی فراهم آورد.

در نتیجه اشکال پیش‌گفته نه در مقام ثبوت و نه در مقام اثبات استوار نیست؛ زیرا یا تبصره سوم شامل اشخاص حقوقی نیز می‌شود و دریافت سود از بانک‌های خارجی را مشروع و مجاز می‌داند یا در صورت عدم شمول، ماده ۵۹۵ اساساً به معاملات بانکی تسری نمی‌یابد. در هر دو حالت، ادعای تعارض میان قانون داخلی و قاعده استاپل بی‌وجه و از اعتبار ساقط است.

نتیجه

برایند پژوهش حاضر نشان می‌دهد تعارض ادعا شده میان جرم‌انگاری ربا در قانون مجازات اسلامی ایران و قاعده استاپل در حقوق بین‌الملل، ظاهری و ناشی از سطحی‌نگری درباره مفاد قانونی است. در ظاهر، ممنوعیت اخذ سود در نظام حقوقی ایران می‌تواند مانعی برای معاملات بانکی بین‌المللی محسوب شود؛ به‌ویژه آنکه اغلب نهادهای مالی جهانی در چارچوب بهره‌محور فعالیت می‌کنند. اما بررسی دقیق‌تر ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی و تبصره سوم آن، مؤید این نکته است که قانون‌گذار با لحاظ تعاملات برون‌مرزی، اخذ سود از غیرمسلمان را از شمول جرم‌انگاری مستثنا دانسته است.

این امر به‌تنهایی مانع از تحقق وصف تناقض‌گویی در سطح بین‌المللی می‌شود. از منظر قاعده استاپل نیز شرط اساسی اعمال آن، نقض اعتماد مشروع یا موضع‌گیری متناقض است؛ درحالی‌که قانون ایران از ابتدا با استثنای دریافت سود از غیرمسلمان، هیچ منع قانونی برای بانک‌های ایرانی در تعامل با بانک‌های خارجی ایجاد نکرده است؛ در نتیجه رفتاری متعارض یا ناقض اعتماد مشاهده نمی‌شود.

ممکن است این شبهه مطرح شود که تبصره مذکور ناظر به اشخاص حقیقی است و بر اشخاص حقوقی از جمله بانک‌ها تسری دادنی نیست؛ اما در پاسخ باید گفت اصول مسلم تفسیر مضیق

در حقوق کیفری، مانع از توسعه دایره شمول ماده به اشخاص حقوقی در موارد سکوت قانون‌گذار است. بنابراین در هر دو فرض (اعم از شمول یا عدم شمول تبصره بر بانک‌ها)، تعارض ادعاشده با قاعده استتایل قابلیت استناد ندارد. اگر تبصره شامل بانک‌ها باشد، قاعده‌تاً مجوز قانونی برای اخذ سود وجود دارد و تناقضی شکل نمی‌گیرد. و اگر شامل نشود، اساساً ماده ۵۹۵ در برابر اشخاص حقوقی جاری نیست و زمینه‌ای برای استناد به آن باقی نمی‌ماند.

در نهایت می‌توان نتیجه گرفت قانون‌گذار ایرانی با درج تبصره سوم ماده ۵۹۵، گامی مهم برای تطبیق مقررات کیفری با اقتضائات تعاملات اقتصادی بین‌المللی برداشته است. این حکم حقوقی ضمن صیانت از موازین شرعی و سیاست‌های تقنینی داخلی، راه را برای مشارکت فعال‌تر نظام بانکی کشور در عرصه جهانی هموار می‌کند. پیشنهاد می‌شود از حیث تقنینی، تفاسیر روشنی پیرامون شمول این حکم نسبت به اشخاص حقوقی ارائه گردد تا مانع از بروز برداشت‌های دوگانه در محافل داخلی و بین‌المللی شود و جایگاه حقوقی ایران در مناسبات بانکی تقویت گردد.

پی‌نوشت‌ها

۱. ماده ۱۲۷۷ قانون مدنی ایران مقرر می‌دارد: «انکار بعد از اقرار مسموع نیست...».

کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ هـ). لسان العرب. بیروت: دارالفکر.
۳. آریانپور کاشانی، عباس. (۱۳۶۹ هـ.ش). فرهنگ انگلیسی به فارسی آریانپور. ج ۲. تهران: امیرکبیر.
۴. افتخار جهرمی، گودرز؛ و مرتضی شهبازی‌نیا. (۱۳۸۳ ش). «بررسی قاعده استتایل در حقوق انگلیس و آمریکا». مجله حقوقی بین‌المللی. ش ۳۰. ص ۷۴۵.
۵. آقابائی بنی، اسماعیل. (۱۴۰۱ هـ.ش). الزامات و مشکلات تبدیل فقه به قانون. تهران: مرکز تحقیقات مجلس شورای اسلامی.

۶. پورسید، بهزاد؛ و رسول آقاداتاشی. (۱۳۹۶ ه.ش). «تشابه و تمایز قاعده استتایل با قاعده غرور و اقرار». دوفصلنامه علمی تخصصی آموزه‌های حقوقی گواه. دوره ۳. ش ۲. ص ۱۲۶-۹۷.
۷. جواهری، حسن محمدتقی. (۱۴۰۵ ه.ش). الربا فقهیا و اقتصادیا. قم: مطبعة الخيام.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶ ه.ش). وسائل الشیعه. ج ۱۸. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث.
۹. حلی، مقداد بن عبدالله. (۱۴۰۴ ه.ش). التنقیح الرائع لمختصر الشرائع. ج ۲. قم: مكتبة آيت الله المرعشي النجفي (ره).
۱۰. داوید، رنه. (۱۳۶۴ ه.ش). نظام‌های بزرگ حقوقی معاصر. مترجم حسین صفایی، عزت‌الله عراقی و محمد آشوری. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۱. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷ ه.ش). لغت‌نامه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ ه.ش). مفردات ألفاظ القرآن. بیروت: دارالعلم.
۱۳. سامانه ملی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران، کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های بازدارنده)، مصوب ۱۳۷۵/۰۳/۰۲ مجلس شورای اسلامی. <https://qavanin.ir/Law/TreeText/83566>
۱۴. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی. [بی‌تا]. مسالک الافهام. ج ۳. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۱۵. فیض، محمد؛ و سیدپدرام خندان. (۱۳۹۹ ه.ش). «قاعده استتایل و امنیت در معاملات و روابط حقوقی». مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران. دوره ۱۲. ش ۴. ص ۱۶۱-۱۵۱.
۱۶. کشاورز، بهمن. (۱۳۶۷ ه.ش). فرهنگ حقوقی انگلیسی به فارسی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۷. گایار، امانوئل. (۱۳۶۵ ه.ش). «قاعده استتایل یا منع تناقض‌گویی به ضرر دیگری». مترجم: ناصر صبح‌خیز. مجله حقوقی بین‌المللی. دوره ۶. ش ۶. ص ۲۴۵-۲۸۲.
۱۸. محقق کرکی، علی بن حسین. (۱۴۱۴ ه.ش). جامع المقاصد فی شرح القواعد. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۱۹. مشایخی، ستار؛ و حمیدرضا آدابی. (۱۳۹۸ ه.ش). «گستره و ویژگی‌های قاعده استتایل در حقوق عمومی داخلی». مجله بین‌المللی پژوهش ملل. ش ۴۰. ص ۸۸-۶۹.
۲۰. موسویان، سیدعباس. (۱۳۷۵ ه.ش). پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در اقتصاد اسلامی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۲۱. نجفی، شیخ محمدحسن. (۱۴۰۴ ه.ش). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. تهران: دارالکتب الإسلامیه.

A Concise Dictionary of Law, 2nd edition, Oxford Reference, 1990, London, p. 153

Black H.C., Black's Law Dictionary, 4th edition, West Publishing Co., 1986, pp. 285-286